

”نشست همگرایی سبز گروه‌های مختلف زنان“ عقب‌گرد یا ...؟

دوشنبه ۳۰ فروردین ۱۳۸۹ - ۱۹ آوریل ۲۰۱۰



شادی امین

حوادث بعد از انتخابات و حضور چشمگیر زنان در این اعتراضات باعث شکل‌گیری یک سلسله مباحث در میان فعالین جنبش زنان شد. در این مباحث هر یک از این فعالان چه در داخل ایران و چه خارج از ایران سعی کرده بودند با توجه به تجربیات خود و درکشان از جنبش زنان و مطالبات آن، رابطه این جنبش با مناسبات قدرت و همچنین رابطه این جنبش با دیگر جنبش‌های اجتماعی به این سوال مهم و کلیدی پاسخ دهند که وظایف اصلی پیش روی این جنبش کدامند؟ و با توجه به فضای جدید در عرصه سیاست و گسترش سرکوب چه راهکارهایی می‌تواند این جنبش را به جلو برده و مانع از ریزش بیشتر نیروهایش و انحلال تشکلهای موجود شود؟ از سوی دیگر طرح چه مطالباتی می‌تواند بار دیگر به بسیج زنان و همچنین تقویت همکاری بین گروه‌های مختلف زنان بینجامد؟

پاسخ به این سوال‌ها متفاوت و گاه متضاد بودند. شادی امین(۱)، آذر تشکر(۲)، آینا یعقوبی(۳)، شادی صدر(۴)، لیلا موری(۵)، نوشین احمدی(۶)، منصوره موسوی(۷)، مریم نصر(۸)، خدیجه مقدم(۹)، پروین اردلان(۱۰) هر کدام به فراخور حال خود نظراتشان را ارائه دادند و به این بحث دامن زدند.

در اینجا قصد پرداختن به این مباحث و مواضع اعلام شده نویسندگان این مقالات نیست. بحث من در اینجا پرداختن به این موضوع است که جنبش زنان (اگر بتوان فعالیت محدود عده‌ای از زنان فعال را در شرایط کنونی به عنوان بخشی از آن نام نهاد) آیا در دوره اخیر با یک حرکت پیشرونده روبرو بوده است؟ آیا به راستی با رشد جنبش اعتراضی و عبور مردم از شعار ”رای من کجاست؟“ به ”مرگ بر دیکتاتور“ و ”آزادی زندانیان سیاسی“ و ”خواسته محاکمه آمران و آملان قتل‌های سیاسی سی ساله اخیر“ (یکی از دو خواست مادران عزادار) جنبش زنان نیز با چنین روندی پیش‌رونده در طرح مطالبات خود روبرو بوده است؟

برای پاسخ به این سوال می‌بایستی ورای بیانی‌ها و نوشته‌های

نظری، به دو حرکت عمده این دوره در تهران یعنی دو دیدار و نشست با بانوی سبز (!) زهرا رهنورد و قطعنامه منتج از دیدار اول (۱۱) و همچنین ترکیب و خواسته های دیدار دوم (۱۲) اشاره کنم. در اینجا به حرکات مثبت و ابتکاراتی که مثلا زنان تبریز در برپایی نمایشگاه عکس (علیه آپارتاید مردانه) (۱۳) داشته اند نظر نخواهم داشت. و بر روی دو نشست این تعداد از فعالین که خود را همگرایی سبز گروه های مختلف زنان معرفی می کنند و نگاهشان به اوضاع متمرکز خواهد شد. در شرایط سرکوب و انسداد سیاسی که کوچکترین صدای اعتراضی با زندان و حکم جلب و بازجویی و تهدید و شکنجه روبرو می شود، فعالین جنبش زنان به اتهامات واهی دستگیر و یا مجبور به ترک زندگی خود و خروج از کشور می شوند، بدیهی است امکان ادامه فعالیت با راهکارهای گذشته موجود نیست. امری که به نظر می رسد برای همه ما روشن است. در چنین شرایطی تدوین استراتژی های نوین و سازماندهی منطبق با آن در دستور کار فعالان این جنبش و دیگر جنبش های اجتماعی قرار می گیرد. ارائه چنین استراتژی ای و سازمانیابی حول آن نیاز به بحث ها و چالش های عمیق به دور از جنجال آفرینی های مرسوم و در وهله اول در بین خود این فعالین دارد. مباحثی که به نظرم می بایست در حوزه هایی دور از چشم شکارچیان انسان صورت گیرد و اطلاعات امنیتی را بیش از این در طبق اخلاص با عکس و فیلم تقدیم وزارت اطلاعات این رژیم نکنند، اما به جای چنین تدوین سیاستی ما با نوعی از پراگماتیسم روبرو هستیم که صرفا برای نشان دادن "حیات و بقاء" خود اقدام به یک سری دید و بازدید و نشست های به اصطلاح ممکن کرده اند که متاسفانه بیش از آنکه نشانه "پویایی" و تشخیص اوضاع باشد، به نظرم نشانه عقبگرد در شیوه کار این جنبش و عدم درک از وظایف آن در شرایط کنونی است. در اینجا تلاش خواهم کرد این ادعا را ثابت کنم.

بعد از ظهر شانزدهم اسفند ماه تعدادی نزدیک به ۲۵ نفر از فعالین حقوق زنان که عمدتا از طیف های مذهبی و مسلمان بودند به همراه تنی چند از فعالان غیر مذهبی برای دیدار با زهرا رهنورد گرد آمدند. تعدادی از این زنان در این نشست سخنانی ایراد کرده و قطعنامه ای هم تحت عنوان "قطعنامه پایانی جمعی از فعالان جنبش زنان در گردهمایی سبز به مناسبت ۸ مارس" منتشر کردند.

در مقدمه این قطعنامه ضمن اشاره به حضور زنان "در جنبشی پویا" که "احقاق «حق انتخاب شهروندی» و «آزادی های مدنی» را طلب میکند و" در راه آن از پرداخت هزینه هایی چون ضرب و شتم، حبس و زندان، محرومیت از کار و تحصیل و ممنوعیت از خروج، محرومیت از انواع حقوق مدنی و حتا مرگ و شهادت ابایی نداشته اند" اشاره می شود.

در این قطعنامه از جمله مطالبات زنان پس از خواست پیوستن به کنوانسیون رفع تبعیض آمده است: "تعبیه راهکارهای قانونی... برای کاهش خشونت های خانوادگی، قانونی، اجتماعی، سیاسی در جامعه" به راستی چنین بیانی آیا نمایانگر عقب نشینی به قیمت حفظ جمع و یا امکان پذیرفته شدن توسط کسانی چون زهرا رهنورد و یا دیگر زنان مذهبی و نماینده مجلس اسبق است؟ صحبت از یک عقب نشینی نسبت به مطالبات خود اینان است. همین ترکیب و البته به همراه عده بسیاری دیگر که اتفاقاً حاضر نیستند با چنین جمعی تعریف شوند و در این نشست نیز حضور نیافتند، قبل از انتخابات ریاست جمهوری در سال گذشته "ائتلاف همگرایی برای طرح مطالبات زنان" را ایجاد کردند و در آنجا این مطالبه چنین آمده بود: "رفع خشونت علیه زنان در جامعه و خانواده" (۱۴)؛ یک اختلاف ساده! رفع خشونت تبدیل شده است به کاهش خشونت! در عین حال اساساً حرفی از تغییر و یا اصلاح قانون اساسی که در سال های اخیر جزو خواسته های جنبش زنان بوده است، نیز زده نمی شود.

در مقدمه ای که منصوره شجاعی به عنوان پیشنهاد قرائت می کند آمده است: "ما در آستانه ۸ مارس، به بانگ بلند اعلام می کنیم که در کنار مردم و کنشگران جنبش های مدنی و جنبش سبز خواهیم بود..." و پس از قرائت، این جمله (۱۵) با حذف واژه "جنبش های مدنی" به این صورت تصویب میشود: "ما در آستانه ۸ مارس، به بانگ بلند اعلام می کنیم که در کنار مردم و کنشگران جنبش سبز خواهیم بود." (۱۶) به راستی چه گرایشی "جنبش های مدنی" را در چنین متنی بر نمی تابد؟! در جای دیگری (بند ۶ و ۷) از این مطالبات آمده است: "آزادی برای فعالیت های مسالمت آمیز زنان در جهت احقاق حقوق شان و آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی از جمله کلیه زنان زندانی و رفع اتهامات از آنان." در مطالبات همگرایی زنان که در قبل از انتخابات تدوین شده بود و از قضا بسیاری از این زنان نیز در تدوین آن دست داشتند آمده بود:

آزادی و ایجاد تسهیلات ویژه برای انتشار نشریات و کتاب های مربوط به زنان.

آزادی فعالیت سایت ها و وبلاگ های زنان و برداشتن مانع «فیلترینگ» برای سایت ها و وبلاگ های اجتماعی و فرهنگی زنان.

رفع تبعیض در حوزه های هنری، از زنان هنرمند و ایجاد فرصت های برابر با مردان هنرمند.

ایجاد کمیته های حقیقت یاب برای پیگیری پرونده های متهمان سیاسی جنبش زنان، زنان قربانی قتل های ناموسی و جرایم جنسی.

پس از بیش از ۹ ماه که از سرکوب خونین و خشن اعتراضات خیابانی می

گذرد، زنانی نشستی برگزار می کنند (در اسفند ماه) و فراموش میکنند به این دوره اشاره ای کنند و خواست " آزادی بیان و تشکل" تبدیل می شود به " آزادی برای فعالیت های مسالمت آمیز زنان" و هیچ صحبتی از حقیقت یابی در مورد پرونده متهمان سیاسی جنبش زنان نمی شود و بالعکس خواسته ای را که از سوی مادران عزادار دائما مطرح می شود یعنی خواست مجازات عاملین و آمرین جنایات سی سال گذشته را فراموش می کنند و به این ترتیب از خواست بیان شده خودشان در قبل از این انتخابات نیز عقب تر رفته و بخش مربوط به کمیته های حقیقت یاب را حذف می کنند. شاید به این دلیل که اگر چنین کمیسیون هایی شکل بگیرند و به دوره حضور خانم رهنورد و همسرشان در قدرت باز گردند، که بدون شک بایستی به این دوره نیز برگردند، آن وقت باید به اسید پاشی به صورت زنان "بد حجاب"، تیغ زدن به زنان و انواع تهدید و شکنجه های دیگر در این دوران و عاملین و آمرین آن نیز بازگشت. آن موقع باید به تجاوز در زندانها و حمله به دفاتر سازمان های زنان و انحلال کلیه آنها به بهانه "شرایط جنگی" و دستگیری بسیاری از زنان در این دوره نیز رسیدگی کرد. باید به اخراج بسیاری از زنان از کار در دانشگاه ها و ادارات دولتی و مشاغل حوزه قضایی به دلیل بد حجابی یا عدم رعایت عفت نیز اشاره کرد و یا باید به محرومیت از تحصیل بسیاری از دانش آموزان دختر(و پسر) به دلیل داشتن فعالیت سیاسی در مدارس نیز پرداخت، باید به شکنجه و تجاوز به دختران زندانی در تمام سال های آغاز حیات جمهوری اسلامی و به ویژه پس از سال ۶۰ نیز بازگشت و به صدها زن اعدام شده و خانواده های آنان نیز رسیدگی کرد. و این همه تنها باعث افشای کسانی است که در تمام این سالها با سکوت خود این سیاست را تقویت کرده اند و یا همراهان این نظام بودند. و امروز از "آسیب" به حقوق زنان حرف میزنند و علت آن را اینکه "سی سال فقدان شبکه روابط بین زنان ضربه های زیادی را به بدنه فعالیت آنها وارد کرده ... " (۱۷) می دانند. سی سال... سی سال تار و مار کردن تشکل های زنان و سرکوب فعالین آن، گویی کشف جدیدی است که شبکه های زنان برای تنفس این جنبش و فعالین آن ضرورتی انکار ناپذیر است. تجربه های غنی جنبش زنان در این زمینه در حداقل ده سال گذشته شاهد چنین تلاشی است. اما چرا به سرکوب این شبکه توسط دولت های مختلف در سی سال گذشته اشاره نمیشود؟ چرا از "بازگشت" و تجدید حقوق زنان حرف میزنند؟ در اینجا است که زنگ خطر به صدا در می آید. تمام این دید و باز دید ها و سر هم بندی کردن "مدارا" و "مسالمت آمیز" بودن این جنبش در خدمت توجیه این سیاست است که به پایه های این نظام دست نخورد و به اصلاحاتی حداقلی رضایت دهیم.

آخر اینان بهترینشان همان فمینیست های موقعیتی هستند! یعنی موقعیت سنج های خوبی هستند. پرنسب و یا خواسته استراتژیک ندارند. زنان برایشان موضوع کاری هستند که می توان به فراخور اوضاع تعریفشان کرد. برابری و رهایی زنان از ستم جنسی برای اینان حد و حدود دارد. اگر اوضاع اقتضا نمی کرد، خب از خیرش می گذریم. مهم این است که ما که خود را نماینده جنبش زنان میدانیم، بقا داشته باشیم تا کارمان را بی درد سر انجام دهیم. به همین دلیل است که کسی پاسخی به این ادعای زهرا رهنورد نمی دهد که میگوید: "قرائت نظام موجود از حقوق زن قطعا غیر اسلامی است. اگر اسلام بود اینچنین نمی شد. ما از این نظام انتظار داریم قرائت مناسب شرایط مدرن را نسبت به حقوق زن داشته باشند و اون رو مجددا تنظیم کنند." (از صحبت های زهرا رهنورد در همان نشست (۱۱))

در حقیقت این "بانوی سبز" سقف خواسته هایش را روشن بیان میکند: "تنظیم مجدد قرائت مدرن از اسلام در رابطه با حقوق زنان". در حقیقت احتمالا منظور ایشان از تاکید بر "مجدد" نیز به معنی بازگشت به قرائت دوران "امام" و نخست وزیری آقای موسوی است! هیچکس به چالش در مورد طرح خواسته "جدایی دین از دولت" با ایشان نمی پردازد. خانم نوشین احمدی تنها فیلم را برش میزند و با افتخار به عنوان "همبستگی زنان و جنبش سبز" انرا بر کانال خود در یوتوب میگذارد. سؤال این است که چرا گروههایی از جنبش زنان چون تغییر برای برابری، میدان زنان، مادران عزادار و نیز زنان شهرستان ها در این دیدارها تا کنون حضور نداشته اند. به هر رو هیچ نقدی به این نگرش نوشته نمی شود. معلوم نیست وقتش نیست، یا جایش نیست، یا آدمش نیست که این نقد ها را بکند. یا شرکت کنندگان خاموش این نشست ها هم گرفتار "وحدت کلمه" شده اند و نگران شکاف در صفوفشان هستند؟

به نظر می آید که نکته آخر در مورد این دوستان غیر مذهبی و مدعی سکولاریسم صادق است. نوشین احمدی در یک مصاحبه با مجله مهرنامه میگوید: "بدون شک همه فعالان جنبش زنان دغدغه آن را دارند که جنبش سبز در آینده خود و سوگیری هایش، منافع زنان را از یاد نبرد و بتوانند در این جنبش منافع زنان را حفظ کنند. ولی به نظر من این کار صرفا با «شریک» شدن فعالان جنبش زنان در این جنبش امکان پذیر است." (۱۸) در حقیقت اینان از عشق شریک شدن است که دل به این "آب" میزنند. تا جایی که پرستو سرمدی نیز در همان نشست میگوید: "امیدوارم تو راس جنبش سبز باید یک زن باشه و خانم رهنورد بهترین ویژگی رو دارند. دلم میخواد وقتی روسای جنبش سبز رو می بینم یک زن رو اونجا ببینم. (از صحبت های پرستو سرمدی در همان نشست (۱۱))

(

در سخنان ایشان جنبش بی رهبر (!؟) متکثر سبز تبدیل میشود به جنبشی با یک عده رییس که البته رییس زن آن هم همسر آقای موسوی یعنی خانم رهنورد توصیه میشود! و البته باز هم هیچ نقدی به چنین مناسباتی که با مناسبات فمینیستی و درک از مبارزه با قدرت فاصله دارد نوشته نمی شود. حتی به نظر می آید اینگونه رهبر سازی برای جنبش زنان مورد تایید این خانمها نیز هست. هزینه این نزدیکی سکوت این زنان به بسیاری از سخنان بی ربط خانم زهرا رهنورد است. زهرا رهنورد در نشست دومی که با این طیف از فعالین جنبش زنان برگزار میکند میگوید: "خوشحالم از اینکه در این فرصت گروه‌های مختلف زنان از طیف‌های مختلف را گردهم می بینم. شاید در طول این سه دهه زنان فرصت با هم بودن را از دست داده اند و اتفاقا به همین خاطر خیلی هم ضربه خورده اند چرا که اگر ما زنان با هم بودیم نه عرصه حقوق زنان و نه قلمرو دموکراسی خواهی تا این حد آسیب می دید. مطمئن هستم که اگر بیشتر با هم بودیم کمتر ضربه می‌خوردیم." (۱۹) آری خانم رهنورد تاریخ جنبش زنان را به گونه خود مینویسد. آسیب به حق زنان از ۲۲ خرداد ۸۸ شروع شده است! جالب است که این همه تلاش‌های اجباری صورت گرفت، (که البته هنوز مایه افتخار بسیاری از همین زنان است ولی بانیان آن حرکت را که غالبا در تبعید به سر می‌برند، به راحتی فراموش می‌کنند) تا تظاهرات و گرد هم آیی‌های مختلف، از جمله تجمع ۷ تیر ۸۶ که با سرکوب وسیع پلیس از یک طرف و سکوت خانم رهنورد و دوستانشان از طرف دیگر روبه رو شد و آخرین نمونه‌های آن نیز ائتلاف وسیع علیه لایحه حمایت خانواده و همگرایی جنبش زنان برای طرح مطالبات در انتخابات بود که تنها بخشی از آنان در این نشست حضور دارند، همه اینها البته در نشست اول با خانم رهنورد از سوی افراد مختلف گفته شد. ولی ایشان در نشست دوم به انکار آن می‌پردازد و تاریخ ائتلاف زنان را به تاریخ ائتلاف با خودش برمی‌گرداند و باز نقدی به آن نمی‌شود. حرکت‌های جمعی، کمپین‌های مختلف، تظاهرات و مراسم سخنرانی و سمینارهای زنان طی حداقل ده سال گذشته انکار می‌شود. این همه سکوت در قبال جعل تاریخ خود این نسل و نسل جوانتر که در ده سال گذشته به انواع روش‌ها حتی توجه جهانیان را به همراه فعالین این جنبش در خارج از کشور به وضعیت زنان در ایران جلب کرده است، هزینه این "شریک" شدن است. اما این شراکت قرار است چه هدفی را دنبال کند؟ پاسخ را زهرا رهنورد چنین میدهد: "پروژه ناتمام دموکراسی در ایران باید با حضور قوی و همه جانبه زنان پیگیری شود. همه ما باید بتوانیم آن پروژه ناتمام را به پایان برسانیم. اینجا دیگر بحث زنان و حقوق

از دست رفته آنها مطرح می شود نه به خاطر اینکه زنان بر انقلاب
حقی دارند. بیشتر به آن خاطر که هر فرد آزاد و آزاده ای باید در
پی احقاق حقوقی باشد که به نوعی جامعه و شرایط آن را از او دریغ
کرده است." (۲۰)

آری قرار است پروژه ناتمام دموکراسی را مشترکا به پایان برسانند.
کدام پروژه دموکراسی؟ پروژه دموکراسی ای که در اولین نشستش صحبتی
از "آزادی بیان" و "تشکل" نمی کند؟ خانم رهنورد البته نمی گوید
این پروژه از چه زمان و چرا ناتمام ماند؟ از زمان قمه کشی
چماقداران به زنان تظاهر کننده علیه حجاب اجباری، یا حمله
چماقداران به تظاهرات ۱۷ بهمن ۵۹ در تهران و در سالگرد قیام بهمن
و سیاهکل و یا حمله به میتینگ بنی صدر رئیس جمهور "لیبرال" و یا
از زمان حمله به هر دختر نشریه فروش و سمپات سازمان های سیاسی در
خیابان های "پایتخت"؟ از چه زمان این پروژه ناتمام مانده است؟
پاسخ ایشان بی شک از زمانی است که حقوق ایشان و همراهان نشان زیر
گرفته شد و از قدرت رانده شدند. قطعاً ایشان معتقد نیست که پروژه
دموکراسی در خون قتل عام شدگان ۶۷ غرق شد. و یا در ۳۰ خرداد ۶۰ در
جوی خیابان ولی عصر با لاشه دختری ۱۴ ساله به ضرب چاقوی مزدوران
حزب الله و عاشقان امام عجین شد. یا با قتل ندا و تجاوز به ترانه
موسوی این پروژه ناتمام ماند؟ پروژه دموکراسی مورد نظر شما از چه
زمان ناتمام ماند و کدام قدرت در مقابلش ایستاد.

روشن سخن بگویید! شفافیت و پاسخگویی ضرورت تعیین صف متحدین و
دوستان جنبش زنان است. تنها شما و شرکایتان از این عدم شفافیت در
خدمت بقاء خود سود خواهید برد.

۱۹ آپریل ۲۰۱۰

shadiAshadi@gmail.com

توضیحات و منابع:

۱- پیرامون ضرورت حضور مستقل زنان در اعتراضات جاری / شادی امین

<http://www.shabakeh.de/archives/individual/001892.html>

و

حضور زنان و درس هایی که جنبش زنان میگیرد! / شادی امین

<http://www.iran-chabar.de/article.jsp?essayId=22376>

۲. چیدن دوباره مهره های شطرنج، آذر تشکر

<http://www.meydaan.org/Showarticle.aspx?arid=841>

3. مروری بر نقش زنان در وقایع قبل و بعد از انتخابات ، آینا قطبی یعقوبی

<http://www.meydaan.org/Showarticle.aspx?arid=836>

4. چه باید کرد؟، شادی صدر

<http://www.meydaan.org/Showarticle.aspx?arid=842>

5. زنانی که هیچگاه ساکت ننشسته اند؛ لیلا موری

<http://www.meydaan.org/Showarticle.aspx?arid=838>

6. ده روزی که ایران را لرزاند، و چالش های تازه جنبش زنان؛
نوشین احمدی خراسانی

<http://www.zanschool.net/spip.php?article2740>

7. برای چه کسانی، برای چه چیزهایی؟؛ منصوره موسوی

<http://www.meydaan.org/Showarticle.aspx?arid=835>

8. انسانهای باز و جامعه بسته؛ مریم نصر اصفهانی

<http://www.critic.ir/index.php/archives/150>

9. مطالبات حداقلی مان که تغییر قوانین تبعیض آمیز علیه زنان است
به جای خود، همراه مردم خواهان تغییر قانون اساسی به طور کلی هم
خواهیم بود؛ گفت و گو با خدیجه مقدم

<http://www.meydaan.org/wwShow.aspx?wwid=1481>

10. اعتماد عمومی خدشه دار شده و کسی که امضا جمع می کند برای آن
پاسخی ندارد؛ گفت و گو با پروین اردلان

<http://www.meydaan.org/wwShow.aspx?wwid=1480>

11- قطعنامه پایانی " جمعی از فعالان جنبش زنان در گردهمایی سبز به
مناسبت ۸ مارس" و گزارش تصویری از مراسم این روز

<http://iranfemschool.biz/spip.php?article4425>

ویدئو گزارش «۸ مارس ۱۳۸۸ نمادی از همبستگی جنبش زنان و جنبش

<http://www.youtube.com/user/feministschool#p/a/u/2/PXc9kZlwdfA>

<http://www.youtube.com/user/feministschool#p/a/u/1/xQ6p185WI5E>

12- دومین گردهمایی سبز فعالان جنبش زنان در تهران به روایت تصویر

<http://iranfemschool.biz/spip.php?article4647>

<http://www.youtube.com/user/feministschool#p/a/u/0/UQs5MwSxgQg>

13- گزارشی از نمایشگاه به مناسبت روز زن در تبریز

[/http://shabakeh.de/activities/260](http://shabakeh.de/activities/260)

14- جزوه تشریحی همگرایی با عنوان: «خواستۀ های زنان از رییس جمهوری آینده»

<http://www.feministschool.com/spip.php?article2492>

15- ویدیوی نشست، قرائت پیشنهاد توسط منصوره شجاعی

<http://www.youtube.com/user/feministschool#p/a/u/2/PXc9kZlwdfA>

16- قطعنامه منتشر شده و مصوب این نشست

<http://iranfemschool.biz/spip.php?article4425>

17- زهرا رهنورد در نشست همگرایی سبز گروه‌های مختلف زنان

[/http://www.sarkhat.com/fa/news/135878777](http://www.sarkhat.com/fa/news/135878777)

18- به همبستگی جنبش زنان با جنبش سبز، بسیار حساس اند/ مصاحبه نوشین احمدی خراسانی با مجله «مهرنامه»

<http://iranfemschool.biz/spip.php?article4622>

19- منبع بالا

۲۰- زهرا رهنورد در نشست همگرایی سبز گروه‌های مختلف زنان

[/http://www.sarkhat.com/fa/news/135878777](http://www.sarkhat.com/fa/news/135878777)

Tags: جنبش زنان, شادی امین